

## رابطه دین و سیاست از دیدگاه شیعه امامیه (با تأکید بر دکترین مهدویت از منظر قرآن و روایات)

علی ملکی

استادیار معارف اسلامی دانشگاه تفرش، تهران، ایران  
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۴)

### چکیده

تبیین رابطه دین و سیاست در دکترین مهدویت شیعه امامیه، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان مسلمان است که می‌تواند در عصر غیبت راهنمای دولت‌های اسلامی در تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها باشد. این پژوهش درصدد است تا با روش توصیفی-تحلیلی به سؤالات ذیل پاسخ دهد: ۱- رابطه دین و سیاست در اندیشه مهدویت بر اساس آموزه‌های دین اسلام در قرآن و روایات چگونه تبیین می‌شود؟ ۲- نگرش شیعه امامیه در این مسئله، چه تمایزی با رابطه دین و سیاست در دنیای مدرن و متجدد دارد؟ دین در دکترین مهدویت شیعی متأثر از نصوص دینی برای هدایت انسان در دنیا و آخرت آمده است و به زندگی اجتماعی و سیاسی انسان جهت می‌دهد. بنابراین، رابطه دین و سیاست یک رابطه ماهوی و منطقی است و دین بر حیات سیاسی انسان اشراف داشته، همه ابعاد رفتاری از جمله رفتارهای سیاسی را به سوی اهداف معنوی و قرب الهی پیش می‌برد. نوآوری این مقاله در آن است که می‌تواند، علاوه بر تبیین رابطه دین و دولت در اندیشه مهدویت، برای جهت‌دهی رفتار جوامع اسلامی در دوره غیبت راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، دین، سیاست، مهدویت، قرآن، روایات.

## مقدمه

تعامل دین و سیاست یکی از محوری‌ترین، مهم‌ترین و جدی‌ترین بحث در بین کشورهای اسلامی و ایران است و اندیشمندان غربی و شرقی که درباره مسلمانان بحث می‌کنند، به این مشکل توجه کافی دارند.

دین همواره نهاد فراگیری بود که رابطه انسان را با خدا، انسان‌های دیگر، خود و طبیعت مشخص می‌نماید و برای حوزه‌های مختلف زندگی، حقوق و احکامی مشخص بیان می‌کند. دین اسلام با طرح دکترین مهدویت در آخرالزمان، برای هماهنگ‌سازی تاریخ و جامعه با ارزش‌های دینی و نیز بهره گرفتن از علوم عصر ظهور، یک رابطه تعاملی را طراحی می‌کند که در آن سیاست و دیانت به جای تعارض، همنشینی در وجه تکاملی را تجربه می‌کنند؛ زیرا طبق آموزه‌های مهدوی، این نظام سیاسی پس از یأس عمومی مردم از انواع نظام‌های سیاسی و خواست عمومی برای تغییرات اساسی پدید می‌آید.

تبیین رابطه دین و دولت در همه جوامع از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان سیاسی است. سؤال اساسی آن است که دین اسلام بر اساس آموزه‌های خود در قرآن و روایات، چگونه رابطه دین و سیاست را در حکومت آرمانی مهدوی تبیین کرده است و چه وجوه تمایزی با تبیین رابطه دین و دولت در دنیای مدرن و متجدد دارد؟

بر اساس آموزه‌های شیعی مهدویت متأثر از نصوص دینی، دین برای هدایت انسان در دنیا و آخرت آمده است و به زندگی اجتماعی و سیاسی انسان جهت می‌دهد. بنابراین، رابطه دین و سیاست یک رابطه ماهوی و منطقی است و دین بر حیات سیاسی انسان اشراف دارد و همه ابعاد رفتاری، از جمله رفتارهای سیاسی را به سوی اهداف معنوی و قرب الهی پیش می‌برد. اگرچه درباره مناسبات دین و سیاست، کتب و مقالات متنوعی نوشته شده است، اما نوآوری این مقاله آن است که می‌خواهد با روش توصیفی-تحلیلی، رابطه دین و سیاست را در آموزه‌های مهدویت تبیین نماید تا هم از حیث تئوریک به این

مشکل پرداخته باشد و هم از حیث عملی در جهت‌دهی رفتار جوامع اسلامی در دوره غیبت راهنما باشد.

نوآوری پژوهش حاضر، تبیین رابطه دین و سیاست در حکومت جهانی مهدوی به صورت ماهوی و منطقی است که مدینه فاضله اسلامی و موعود همه ادیان است و با تکیه بر آیات و روایات بررسی خواهد شد. اگرچه تحلیل و تبیین مناسبت‌های دین و دولت در آثار مختلف مورد توجه و تأمل بوده، اما تاکنون تمرکز جدی و دقیق بر تبیین رابطه دین و سیاست در حکومت مهدوی نشده است و برای اولین بار در این پژوهش انجام می‌شود. در این پژوهش، ابتدا مفاهیم مورد نیاز، مانند دکترین، مهدویت، دین، سیاست و مفاهیم مرتبط تشریح می‌شود و آنگاه با بیان مباحث نظری و الگوهای دین و سیاست در ایران و جهان مدرن، نگرش مهدویت بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی تبیین می‌گردد.

## ۱. مفاهیم و تاریخچه

قبل از پرداختن به اصل بحث، ابتدا مفاهیم مرتبط با موضوع مقاله را تشریح می‌کنیم.

### ۱-۱. دکترین

«دکترین» از واژه لاتین «Doctrina» گرفته شده است و به معنای نوعی از جهان‌بینی، یک شاخه دانش، یک نظام فکری و اصولی برای خط مشی دولت‌ها آمده است. از این رو، در تعریف آن می‌توان گفت نوعی جهان‌بینی است که برنامه‌های سیاسی بر اساس آن ریشه و بنیاد یافته باشد و یا مجموعه‌ای از نظام‌های فکری که بر پایه اصول معینی مبتنی باشد. همچنین، به تنظیم اصولی که بر طبق آن، دولت‌ها خط مشی خود را، به ویژه در روابط بین‌المللی تعیین می‌کنند، اطلاق می‌گردد (ر.ک؛ علی بابایی و آقایی، ۱۳۶۵: ۲۷۰). دکترین در عرصه سیاسی و اجتماعی غالباً به دیدگاه‌های اعلامی سنت اسلامی یا رهبران سیاسی اشاره دارد (ر.ک؛ بهروز لک، ۱۳۸۴: ۲۳). اما مراد از دکترین مهدویت در این نوشتار، همان مکتب فکری مهدویت است که از آموزه‌های قرآنی و روایی شیعه امامیه

درباره قیام و انقلاب حضرت مهدی (عج) برداشت می‌شود. دکترین مهدویت ابعادی سیاسی - اجتماعی دارد و سیاست مهدوی فرایندی است که با زمینه‌سازی فضیلت در دنیا، زمینه قرب الهی و سعادت اخروی را فراهم می‌آورد.

## ۲-۱. مهدویت

مهدویت، یعنی منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی، حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنود الله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری حضرت مهدی (عج) است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخر الزمان است (ر.ک؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۱۹).

این ایده که دیروز جهان به فردای آن پیوند خواهد خورد، از امور مسلم دکترین مهدویت است و مؤید آن، آیه شریفه زیر است: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ و همانا در (کتاب آسمانی) زبور بعد از ذکر (تورات، نازل شده)، نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد ﴿(الأنبياء/ ۱۰۵). طبق وعده ادیان الهی، آینده جهان با ظهور منجی موعود، قرین سعادت و کمال انسان خواهد بود و بشر به تکامل فکری و اخلاقی و معنوی دست خواهد یافت و زندگی بشر در آینده، به برترین و کامل‌ترین زندگی‌ها منتهی می‌شود:

«ظهور منجی موعود مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است و مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است. از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود، آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است» (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۴: ۴۳۸-۴۳۷).

«اینکه ادیان پیش‌بینی می‌کنند که عدل کامل، صلح کامل، رفاه کامل، سلامت کامل و امنیت کامل برقرار خواهد شد، همان پیش‌بینی تکامل تاریخ و تکامل بشریت است؛ یعنی زندگی بشر در آینده منتهی می‌شود به برترین و کامل‌ترین زندگی‌ها که از جمله آثاری که در آن هست، آشتی انسان و طبیعت است و آن این است که زمین تمام معادن خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد، آسمان تمام برکات خود را به انسان می‌دهد و همه اینها خود، تکامل تاریخ است» (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۱۵: ۱۷۸).

حکومت جهانی امام مهدی (عج) دستاوردهای بسیاری خواهد داشت و در واقع، در آن دوره، معرفت، عدالت، صلح، انسانیت و معنویت حکومت خواهد کرد.

### ۳-۱. دین

واژه «دین» در رشته‌های مختلف دین‌پژوهی، معانی متفاوتی دارد. لذا به شیوه‌های متفاوت تعریف شده‌است. از آنجا که این پژوهش درباره دین و سیاست در حکومت مهدوی بحث می‌کند، لذا مراد از دین، همان دین اسلام است. دین در معنای لغوی خود به معنای انقیاد، خضوع، پیروی، اطاعت و تسلیم است و در معنای اصطلاحی، یعنی مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها نازل شده‌است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۷۳). از این‌رو، هدف دین، هدایت و سعادت‌مندی انسان در دنیا و آخرت به وسیله مجموعه‌ای از قوانین و مقررات اجرایی، اعتقادات و اخلاقیات است و افکار و رفتار بشر را شامل می‌شود.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان تعریفی از دین ارائه کرده‌است که بر اساس آن، کارکردهای دنیایی را هم شامل می‌شود:

دین عبارت است از مجموعه‌ای از معارف که از سوی خداوند و به وسیله پیامبر (ص) به سوی انسان نازل شده‌است تا سعادت او را در دنیا و آخرت تأمین نماید (ر.ک؛ طباطبائی،

۱۳۶۹: ۴۰۵). بر اساس این تعریف، دین اسلام سعادت انسان را در دنیا و آخرت تأمین می‌کند.

در این پژوهش، مراد از دین، متون دینی مانند قرآن، سنت، اجماع و عقل می‌باشد. دیدگاه اندیشمندان مسلمان شیعه درباره دین و سیاست در حکومت مهدوی، نگاه تقریباً یکسان و مشترکی می‌باشد و اختلافی بین متون دینی و نوع برداشت آنان وجود ندارد.

#### ۴-۱. سیاست

سیاست یکی از مفاهیم پیچیده و مبهم است. سیاست در قلمرو علوم انسانی و اجتماعی قرار دارد و به دلیل انگیزه‌های مختلف رفتار بشر، تعریف آن امری مشکل است. از دلایل پیچیدگی و دشوار بودن تعریف سیاست می‌توان به سیلان قلمرو آن به حوزه‌های مختلف زندگی، تلقی‌ات و تصورات مختلف افراد نسبت به آن، دقیق نبودن تعاریف علوم انسانی نسبت به علوم طبیعی و آمیختگی تعریف آن با ایدئولوژی‌ها و ارزش‌ها اشاره کرد. اما دانشمندان علوم سیاسی سعی کرده‌اند تا بر اساس موضوع سیاست، به تعریف دقیق‌تر آن پردازند و حوزه مباحث آن را از علوم دیگر تفکیک نمایند.

واژه «سیاست» در برابر واژه انگلیسی Policy قرار دارد و از واژه یونانی Polis به معنای «شهر» گرفته شده است؛ زیرا در یونان باستان، شهر و دولت از هم تفکیک‌ناپذیر بودند (ر.ک؛ ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۳) و سیاست به معنای «علم حکومت کردن بر شهر» بود. سیاست در زبان فارسی به معنای ذکاوت، تنبیه کردن، تدبیر، برنامه و اداره امور مملکت آمده است (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸: ۲۲۰۴). سیاست از حیث اصطلاح در تاریخ اندیشه‌های سیاسی به سه معنای کسب، حفظ و اعمال قدرت (ر.ک؛ دوورژه، ۱۳۴۹: ۸) و اداره امور همگانی آمده است (ر.ک؛ نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۴). اگرچه بر هر یک از این تعریف‌ها، ایرادهایی وارد شده است، ولی در هر حال، سیاست با قدرت و دولت پیوند

دارد و اداره امور جامعه را برای رسیدن به منافع عمومی مشترک دنبال می‌کند. پس سیاست را می‌توان چنین تعریف کرد:

«سیاست، یعنی رهبری صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها و احزاب (نیروه‌های اجتماعی) و کارهای حکومتی در داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر، در عرصه جهانی است. علم سیاست، رشته‌ای از آگاهی اجتماعی است که وظیفه آن، شناخت منظم قواعد و اصول حاکم بر روابط سیاسی، میان نیروهای اجتماعی در داخل یک کشور و روابط میان دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است» (عالم، ۱۳۷۴: ۲۱-۳۱).

سیاست، فرایندی است که از طریق آن، دولت منابع و ارزش‌ها را مقتدرانه توزیع، تصمیمات را اتخاذ و سیاست‌ها را تعیین می‌کند. سیاست، اعمال قدرت و نفوذ در جامعه است. برنارد کریک (Bernard crick) موضوع علم سیاست را نقش حکومت (فعالیت حفظ نظم) می‌داند که تنظیم روابط بین افراد و گروه‌هاست. پس علم سیاست مطالعه کارکرد حکومت در جامعه است (ر.ک؛ همان: ۵). در تعاریف گوناگون، سیاست نوعی تأثیرگذاری بر اساس قدرت است و سیاست هم در معنای فعل سیاسی و هم دانش سیاسی استعمال می‌شود. مقوله سیاست در مباحث مهدویت از آموزه‌های دینی اسلام برگرفته از قرآن و روایات ائمه معصوم<sup>(ع)</sup> بیان می‌شود.

سیاست در مباحث مهدویت، فرایندی است که با زمینه‌سازی فضیلت در دنیا، افراد مسلمان را به سوی سعادت اخروی رهنمون می‌کند. در این صورت، ماهیتاً با تلقی مدرن و متجدد از سیاست که نگرش عقلانیت ابزاری و سودمحور دارد، متفاوت است. در این راستا، هدف از مهدویت در مسائل سیاسی مهدویت - که با توجه به آموزه‌های مهدوی متخذ از قرآن و سنت است - رابطه دین و سیاست چگونه تبیین شده است؟ این تلقی از رابطه دین و سیاست در مهدویت، با تصورات رایج در دنیای مدرن چه تفاوتی دارد؟ جامعه اسلامی چگونه می‌تواند از آن در ساماندهی نظم سیاسی برای رسیدن به توسعه بهره گیرد؟

## ۲. تاریخچه و پیشینه بحث

پیرامون رابطه دین و سیاست در ایران و سایر کشورها تحقیقات مفصلی انجام شده است. در بین اندیشمندان غربی، موریس باربیه در اثر خود (ر.ک؛ باربیه، ۱۳۸۴) تقسیم‌بندی دارد که به نظریه‌ها و کوشش‌های دنیای مدرن و متجدد و انواع برداشت‌ها از رابطه دین و سیاست در غرب مطرح می‌پردازد که برای ترسیم نظریه‌های مناسبات دین و دولت به آن‌ها اشاره می‌کنیم. از این رو، به کتاب او اشاره کردیم که الگوهای نظری دین و سیاست را در اندیشه سیاسی غرب گزارش کرده است.

در ایران، صرف نظر از مباحث روزنامه‌ای، برخی تحقیقات نظری درباره دین و دولت وجود دارد. علیرضا شجاعی زند در آثار مختلف خود سعی کرده است با عینک جامعه‌شناختی به تحلیل مناسبات آن دو بپردازد. وی در کتاب *مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین* (ر.ک؛ شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۱۸) تلاش می‌کند مناسبات دین و دولت را در دو مقوله مشروعیت و اقتدار بررسی نماید و با کنکاش تاریخی، طبقه‌بندی از الگوی تعامل به دست دهد.

او در اثر دیگر خود با عنوان *دین، جامعه و عرفی شدن* (ر.ک؛ همان، ۱۳۸۰) با تعریف دین از منظرهای مختلف، به فرایند عرفی شدن آن در جامعه مسیحی و آنگاه تأثیر آن در ایران می‌پردازد و معتقد است که عرفی شدن در جوامع مختلف را نمی‌توان یک ضرورت حتمی دانست؛ زیرا جوهر دین، ساخت اجتماعی، شرایط تاریخی و فرهنگی در جوامع مختلف نیز متفاوت است. وی ادیان را به دو دسته تجزیه‌گرا و اندماجی تقسیم‌بندی می‌کند و ادیان اندماجی را در کشورهای مختلف صرفاً نام می‌برد. در نگاه وی، دین اسلام برای خود ملاک‌ها و مدعیاتی دارد که از بسیاری جهات بی‌بدیل است. همچنین، وی در اثر دیگر خود با عنوان *عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی* (ر.ک؛ همان، ۱۳۸۱)، ضمن بیان فرایند و نیز نظریه‌های عرفی شدن، معتقد است که عرفی شدن در اسلام با تجربه مسیحی متفاوت است. اسلام آخرین دین و دین اتم و اکمل، و



آموزه‌های آن نیز دنیوی و اخروی است. این ویژگی‌ها اسلام را دینی با قابلیت عرفی پدید آورده‌است و نباید تجربه عرفی شدن مسیحیت که در مدرنیته غربی تحقق یافته‌است، به اسلام سرایت داد. اسلام دینی است که به دنیا و آخرت، عقل و ایمان، دولت و دین، فرد و جامعه پرداخته‌است و این مباحث با بحث الگوهای نظری مناسبات دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران تفاوت دارد.

حمیدرضا اسماعیلی در کتاب *دین و سیاست در اندیشه سیاسی معاصر* (ر.ک؛ اسماعیلی، ۱۳۸۶) به بحث رابطه دین و سیاست در اندیشه سیاسی معاصر می‌پردازد. او ابتدا با پژوهش ابعاد و معانی متعددی نسبت دین و سیاست بر اساس سه روش استقرایی، انتزاعی، منطقی و تحلیلی، به بیان باورهای رایج درباره چگونگی نسبت دین و سیاست می‌پردازد. درباره رابطه دین و سیاست در اندیشه مهدویت می‌توان با توجه به مباحث فوق و آموزه‌های دینی در قرآن و احادیث به تبیین موضوع پرداخت، ولی تاکنون کتاب یا مقاله‌ای در این زمینه نوشته نشده‌است. لذا ابتدا به طرح مباحث دین و سیاست در دنیای مدرن و متجدد می‌پردازیم.

### ۳. رابطه دین و سیاست در جهان مدرن و متجدد

پرسش از مناسبات دین و دولت یک دغدغه همیشگی برای یک انسان مذهبی است. بررسی الگوهای نظری دین و سیاست در اروپا می‌تواند در الگوهای نظری مناسبات دین و سیاست در دکترین مهدوی مفید باشد. اگرچه در گذار به دنیای مدرن، اندیشه‌های واحدی درباره دین و دولت وجود نداشته‌است، ولی رویکرد کلی آن از مرجعیت نقش دین در زندگی اجتماعی و سیاسی، به سوی کنار رفتن دین و حضور عقل خودبسنده در زندگی اجتماعی و سیاسی بوده‌است. سیاست مکلف است برای شهروندان امنیت، رفاه و بهداشت فراهم کند، اما نسبت به دین و معنویت رویکرد بی‌طرفی (Neutrality) دارد (Waldron, 1993: 143). مدرنیته با عقلانیت استراتژیک، جهان‌زیست (Life-word) استعلایی افراد را به سوی نظامی دنیوی، عرفی و عقلی به معنی عقل عملی و محاسبه‌گر

پیش برده است. این روند، یکسان و یکنواخت نبوده، بلکه دوره‌های متفاوتی با ویژگی‌های متفاوت داشته است. در این بخش، ابتدا به اختصار تحولات فکری مربوط به مناسبات دین و سیاست را در دنیای مدرن پیگیری می‌کنیم تا در فحوای آن، مناسبات دین و دولت در اندیشه دینی و اندیشه مهدویت مشخص شود.

موریس باریه در کتاب *دین و سیاست در اندیشه مدرن*، به تحولات مربوط به رابطه دین و دولت در تفکر مدرن پرداخته است که از جنبه اندیشه و جامعه‌شناسی اهمیت زیادی دارد. در این بخش، ضمن طرح این الگوها (ر.ک؛ باریه، ۱۳۸۴: ۱۹ به بعد)، به دیدگاه‌های مختلف درباره دین و دولت و نیز تغییر و تحولات بعدی آن می‌پردازیم. به طور کلی، چهار تلقی درباره رابطه دین و سیاست در تفکر مدرن شکل گرفته است:

### ۱-۳. برداشت دینی از رابطه دین و سیاست

یعنی در دوره‌هایی از تاریخ غرب، اندیشمندانی اعتقاد به برتری مطلق دین بر سیاست و تبعیت دومی از اولی داشته‌اند. این برداشت دنیای مسیحی سده‌های میانه بوده است. کسانی که به تفوق امر روحانی باور داشتند، عبارتند از: مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶ م.)، کالون (۱۵۰۹-۱۵۶۴ م.)، ژان بَدن (۱۵۲۹-۱۵۹۶ م.)، بوسوئه (۱۶۲۷-۱۷۰۴ م.) و ژوزف دومستر (۱۷۵۳-۱۸۲۱ م.) و نظریه دو شمشیر که در سده‌های میانه ارائه شده است.

### ۲-۳. برداشت ابزاری از رابطه دین و سیاست

الگوی دوم در تبیین مناسبات دین و سیاست بر تبعیت دین از سیاست تأکید می‌کرد. از این رو، دین ابزاری در دست سیاست بود. در اینجا، اندیشمندان به دین اهمیت کمتری می‌دادند. برخی مانند ماکیاول (۱۴۶۹-۱۵۲۷ م.) و منتسکیو (۱۶۸۹-۱۷۵۵ م.) برداشت معتدل تری داشتند و ضمن سودمندی سیاسی و اجتماعی دین، به طور روشن آن را تحلیل می‌کردند، برخی مانند هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹ م.)، اسپینوزا (۱۶۳۲-۱۶۷۷ م.) و روسو

(۱۷۱۲-۱۷۷۸م). دین را به طور کامل تابع قدرت سیاسی قرار می‌دادند، به گونه‌ای که هابز حتی نظارت دولت بر کلیسا و ایمان را توصیه می‌کرد (ر.ک؛ همان: ۱۱۹).

### ۳-۳. برداشت لیبرالی از مناسبات دین و سیاست

برداشت لیبرالی پس از انقلاب فرانسه و گسترش لیبرالیسم سیاسی شکل گرفت (ر.ک؛ همان: ۲۰۷) و دغدغه آن، دفاع از آزادی در همه عرصه‌ها، به‌ویژه عرصه دین و سیاست بود. این برداشت به جدایی کامل دین و سیاست گرایش داشت و بر استقلال آن دو تأکید می‌کرد. متفکرانی مانند لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴م)، کنستانت (۱۷۶۷-۱۸۳۰م)، لامنه (۱۷۸۲-۱۸۵۴م) و توکویل (۱۸۰۵-۱۸۵۹م) آن را بسط داده‌اند. کنستانت معتقد است که دین نیاز به آزادی کامل دارد تا با خروج از سلطه سیاسی توسعه کامل یابد. همچنین، سیاست نمی‌تواند در قلمرو وجدان و باورهای فردی که مربوط به افراد است، مداخله کند (= حوزه خصوصی) و این به سبب تضاد ریشه‌ای اقتدار و عقیده، جدایی مطلق دین و سیاست و نیز استقلال کامل آن‌ها از یکدیگر، مورد نظر اندیشمندان گرایش سوم است. این نگرش‌ها در میان روشنفکران سکولار در ایران هم طرفدارانی دارد.

### ۳-۴. برداشت انتقادی از رابطه دین و سیاست

متفکران غربی تا قرن نوزدهم به هیچ وجه در فکر نقد مفهوم سنتی دین نبودند، بلکه به ضرورت آن در کشور و جامعه اذعان داشتند، اما از این زمان، دین در جامعه مورد نقد قرار گرفت و جایگاه آن در جامعه بازنگری شد (ر.ک؛ همان: ۳۲۴) و برداشت انتقادی دیگر به برتری دین بر سیاست یا برعکس و یا استقلال کامل آن دو از هم نمی‌اندیشد. از این رو، این طریق در برابر سه روش گذشته است. اما دو رویکرد معتدل و رادیکال در این الگو وجود دارد. رویکرد اول، ایرادهای مسیحیت را نقد کرده، آن‌ها را با نیازهای جامعه مدرن منطبق نمی‌داند. متفکرانی مانند سیمون (۱۷۶۰-۱۸۲۵م)، پرودن (۱۸۰۹-۱۸۶۵م) و آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷) نیز چنین دیدگاهی دارند. رویکرد

رادیکال که دیدگاه‌های مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، انگلس (۱۸۲۰-۱۸۹۵) و گرامشی (۱۸۹۱-۱۹۳۷ م.) است که نوسازی اشکال دین و نیز جدایی دین و سیاست را ناکافی دانسته‌است و بر خود دین، ایرادهای اساسی، مانند از خود بیگانه کردن انسان‌ها و یا در حال زوال تدریجی بودن دین و مانند آن وارد می‌سازند. سوسیالیست‌های تخیلی مانند سن سیمون، روبرت اوئن (Owen) و پیر لرو (Leroux) مسیحیت حقیقی و نوسازی شده و آگوست گنت دین عجیب انسانیت را پیشنهاد می‌کنند. پرودن نسبت به دین بدگمان بود و نسبت به سودمندی اجتماعی آن تردید داشت. مارکس و انگلس نه تنها به دولت مسیحی، بلکه به طور کلی، به دین نقد جدی دارند و آن را در از خود بیگانگی بشر و رسیدن به نیازهای اقتصادی دخیل می‌دانند.

با توجه به تاریخچه سکولاریزاسیون و طرح دیدگاه اندیشمندان مربوط، به نظر می‌رسد سکولاریزاسیون روندی است که در آن عمل انسان‌ها از ابتدا بر اساس خرافات اسطوره‌ای یا فرمان‌های الهی بود و در جهان مدرن این جنبه تغییر یافته‌است و بر اساس عقل و محاسبه سود و زیان و نیز سازوکار اقتصاد بازار عمل می‌کند؛ یعنی مطابق دستگاه فکری ماکس وبر، عقلانیت ارزشی در میدان‌های مختلف، جای خود را به عقلانیت ابزاری داده‌است. این ویژگی به دلیل بروز و ظهور مدرنیته در غرب پدید آمده‌است. پس عقلانیت مدرن آشکارا در برابر دین قرار دارد.

#### ۴. رابطه دین و سیاست در شیعه امامیه با تأکید بر دکترین مهدویت

تقسیم‌بندی‌های متفاوتی درباره رابطه دین و سیاست وجود دارد. این تقسیم‌بندی‌ها به صورت وحدت کامل، معاضدت و همگرایی، انفکاک و واگرایی، و معاندت و ستیز اشاره کرده‌اند (ر.ک؛ شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۸۷). در کتاب‌ها و مقالات متعدد نیز تکرار شده‌است که این تقسیم‌بندی‌ها مربوط به رابطه دین و دولت در جوامع مسیحی است و ارتباط دین و دولت در جامعه اسلامی با جوامع مسیحی تفاوت دارد؛ زیرا دین مسیحیت

فاقد احکامی در سامان زندگی است و آموزه‌های سیاسی ندارد. برای جلوگیری از خلط مبحث، ارتباط دین و سیاست در جامعه اسلامی را به دو صورت می‌توان بررسی کرد:

#### ۴-۱. رابطه دین و سیاست به معنای رابطه متون دینی (نصوص دینی) و سیاست

در این باب، رابطه نصوص دینی و سیاست بررسی می‌شود و در اندیشه سنتی، تفاوتی بین علم سیاست و سیاست به معنای سیاست روزمره و خط مشی (Policy) وجود ندارد.

#### ۴-۲. رابطه نهاد دین (روحانیت) و نهاد سیاست (دولت)

در این زمینه، ارتباط دین و دولت بر اساس نظریه‌ها و اندیشه‌های مختلف بررسی می‌شود.

در مباحث رابطه دین و دولت در دکترین مهدویت، به قسم اول توجه خواهد شد؛ یعنی با توجه به نصوص دینی (قرآن و روایات)، رابطه دین و سیاست در دولت مهدوی چگونه ترسیم شده است.

یکی از مباحث مهم در تفکر شیعه، تلائم دین و سیاست و نیز ضرورت تأسیس حکومت اسلامی است و در مجموع، اشراف دین بر سیاست و لازم و ملزوم بودن آن برداشت می‌شود. با توجه به آموزه‌های آیات و روایات در اسلام پیرامون رابطه دین و سیاست، به نظر می‌آید که سیاست در قلمرو دین قرار دارد و دین به سیاست جهت می‌بخشد. دین اسلام دینی کامل و جامع است و درباره همه شئون زندگی انسان، اعم از فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی برنامه دارد. در این صورت، دین و سیاست لازم و ملزوم یکدیگرند و در همه برنامه‌های اسلام شامل اعتقادات، اخلاقیات و احکام، برنامه‌های سیاسی وجود دارد. رابطه دین و سیاست در اسلام یک رابطه ماهوی و منطقی است و به طور خلاصه می‌توان گفت:

- الف. هدف دین و سیاست، هدایت و تربیت جامعه برای رسیدن به سعادت است.
- ب. هدف پیامبران و امامان، تشکیل حکومت عدل است.
- ج. حکومت مقدمه اجرای احکام الهی است.
- د. در تاریخ اسلام، دین و سیاست به صورت واحدی ارائه شده است.
- هـ. در حکومت مهدوی هم پیوستگی دین و سیاست وجود دارد و حضرت مهدی (عج) احکام تعطیل شده دین را هم اجرا می کند.
- عالمان شیعه ادله مختلفی برای ضرورت استمرار حکومت اسلامی و لزوم حکومت اقامه کرده اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود.

#### ۴-۲-۱. دلیل عقلی: ضرورت اجرای احکام اسلامی

- در اسلام احکامی وجود دارد که بدون حکومت اجرایی نیست. آن احکام نیز نشانه توجه دین اسلام به احکام سیاسی و اجتماعی است. این احکام عبارتند از:
- ۱- احکام مالی؛ مانند وضع خمس، مالیات، معادن، جنگل ها و به طور کلی، انفال و بیت المال.
  - ۲- احکام دفاعی؛ مانند احکام مربوط به حفظ اسلام و دفاع از مرزها و استقلال امت اسلامی.
  - ۳- احکام قضایی؛ مانند حدود، قصاص و تعزیرات.

امام خمینی (ره) در این زمینه می گوید: «بر طبق آیات قرآن، اجرای این احکام محدود به زمان پیامبر (ص) یا ائمه (ع) نیست و تعطیل شدن اجرای این احکام برخلاف ضروریات اعتقادی اسلام است» (خمینی، بی تا: ۲۹-۳۰).

#### ۴-۲-۲. آیات قرآن کریم

آیات متعدد قرآن بر اهتمام دین اسلام به سیاست دلالت می‌کند. برخی از آیات بر اطاعت از ولی امر اشاره دارند؛ مثلاً: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾: از خدا، رسول او و اولی‌الأمر خودتان اطاعت کنید ﴿المائدة/ ۴۸﴾.

بر اساس این آیه، اطاعت از رسول خدا و ولی امر در امور حکومتی واجب است (ر.ک؛ مظفر، بی‌تا، ج ۲: ۱۷) و در امور سیاسی باید به دستورهای دین که از ناحیه پیامبر ابلاغ و اجرا می‌شود، ملتزم بود. مفسران شیعه اتفاق نظر دارند که واژه «اولو الأمر» بر امامان شیعه دلالت دارند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر به آن‌ها سپرده شده است و غیر آن‌ها را شامل نمی‌شود. خداوند متعال پس از رسول اکرم (ص) حاکم معین می‌کند. این بدان معنی است که حکومت پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز لازم است و رسول خدا (ص) حکم و فرمان الهی را بیان می‌کند و طبق آیه شریفه، احکام اسلام محدود به زمان و مکان نیست.

اما بر طبق آیات قرآن، ارسال پیامبران برای اقامه عدل و قسط می‌باشد: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾: ما پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و به آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت و قسط قیام کنند ﴿الحديد/ ۲۵﴾. با این وصف، اجرای عدالت نیز بدون تشکیل حکومت ممکن نیست (ر.ک؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۴۸۸).

#### ۴-۲-۳. روایات معصومین (ع)

روایات متعددی درباره ضرورت سیاست و حکومت از معصومین رسیده است که در اینجا به یک مورد آن اشاره می‌شود؛ مثلاً روایت امام رضا (ع) در پاسخ به این سؤال که چرا ولی امر قرار داده شده است و امر به اطاعت او شده، می‌فرمایند:

«قيل لعل كثيرة و منها إنا لانجد فرقة من الفِرَق و لا ملّة من الملل بقوا و عاشوا إلا بقيم و رئيس لما لا بدّ لهم منه في أمر الدّين والدّنيا. فلم يجز في حكم الحكيم أن يترك الخلق لما يعلم أنه لا بدّ لهم منه و لا قوام لهم إلا به...: اگر کسی بپرسد چرا خدای حکیم اولی الامر قرار داده است و به اطاعت آنان امر کرده، می گویم به دلایل بسیار، و از آن دلایل این است که ما هیچ فرقه از فرقه‌ها و ملت از ملت‌ها را نمی‌یابیم، مگر آنکه بقا و زندگی آنان به یک رئیس و حاکمی می‌باشد که امر دین و دنیای آنان را سامان بخشد. پس از حکمت حکیم به دور است که مردم را بدون چیزی که بدان نیاز و قوام دارند، ترک کنند...» (صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱: ۱۸۳).

یعنی برای گذران امر دین و دنیا، ناگزیر از لزوم توجه به ساماندهی حیات سیاسی و تشکیل حکومت می‌باشد و زندگی بدون آن قوام نمی‌یابد. ضرورت حکومت اسلامی موقتی و محدود به زمان خاصی نیست، بلکه همیشگی و از سنت‌های خداوند است. تشکیل حکومت برای جلوگیری از نفوذ استعمارگران و تسلط سلاطین جور واجب است.

#### ۴-۲-۴. سیره معصومین<sup>(ع)</sup>

در تلقی شیعه امامیه برای لزوم سامان زندگی سیاسی و توجه به سیاست، به سیره رسول خدا<sup>(ص)</sup>، امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup>، امام حسن<sup>(ع)</sup> و اهتمام ائمه دیگر به امور سیاسی و اجتماعی این گونه استدلال می‌شود:

«سنت و رویه پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا خود تشکیل حکومت داد و تاریخ گواهی می‌دهد که تشکیل حکومت داد و به اجرای قوانین و برقراری نظام‌های اسلام پرداخت و به اداره جامعه برخاست، والی به اطراف می‌فرستاد، به قضاوت می‌نشست، قاضی نصب می‌فرمود، سفیرانی به خارج و نزد رؤسای قبایل و پادشاهان روانه می‌کرد، معاهده و پیمان می‌بست، جنگ را فرماندهی می‌کرد و خلاصه احکام حکومتی را به جریان می‌انداخت. ثانیاً برای پس از خود به فرمان خدا، تعیین حاکم کرده است» (خمینی، بی تا: ۲۵).



پس از رحلت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> کسی از مسلمانان درباره ضرورت ورود به سیاست تردید نداشت، آنچه که پس از رحلت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> مورد تأیید مسلمانان بود، در این مورد بود که چه کسی جانشین پیامبر<sup>(ص)</sup> باشد و امام علی<sup>(ع)</sup> هم پس از سه خلیفه با اقبال مردم در رأس حاکمیت قرار گرفت و سازمان دولتی متناسب با سنت رسول اکرم<sup>(ص)</sup> را پدید آورد.

## ۵. جایگاه امامت در دکترین سیاسی شیعه

از دیدگاه شیعه، ولایت بر انسان‌ها از شئون امامت امامان معصوم<sup>(ع)</sup> است. امامت نمونه عالی سیاست اسلامی و مهدویت مجری کامل و قطعی این سیاست است. از نظر شیعیان، امامت همانند نبوت، لطف الهی است (ر.ک؛ حلی، ۱۴۱۷ ق: ۴۹۱). امام عصمت دارد، افضل و اعلم از همه مردم است، هیچ گاه زمین از حجت خالی نخواهد بود (ر.ک؛ کاشف الغطاء، ۱۴۱۳ ق: ۶۸). امامت در دکترین مهدویت از ارکان اعتقادی مذهب شیعه و در کنار توحید، نبوت و معاد است؛ زیرا خداوند همان گونه که پیامبر را برای تشکیل نظام سیاسی و هدایت مردم برگزیده است، دوازده امام هم با نص خاص به این امر منصوب شده‌اند. از این رو، ضروری است ائمه معصوم<sup>(ع)</sup> در صورت تحقق شرایط سیاسی، زعامت حکومت اسلامی را در اختیار داشته باشند، لیکن برخی حوادث ناگوار پس از رحلت پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> و شهادت امام علی<sup>(ع)</sup> باعث شد که پس از شش ماه حکومت امام حسن<sup>(ع)</sup>، رهبری سیاسی جامعه از امامان دور شده است. اما امام دوازدهم بنا بر نصوص دینی و وعده الهی حکومت فراگیر جهانی را برای اقامه عدل، امنیت فراگیر و رفاه کامل برپا خواهد کرد. حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> مهم‌ترین وظیفه امامان را، یعنی جانشینی پیامبر<sup>(ص)</sup> در تبلیغ و هدایت معنوی انسان، قضاوت و اداره نظام سیاسی در زمانی که تعیین آن برای کسی جز خداوند معلوم نیست، محقق خواهد کرد، به گونه‌ای که در تعریف امامت گفته‌اند: ریاست عامه و عالی بر امور دین و دنیا (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۳۵: ۱۵).

نصوص قرآنی امامت عبارت است از: آیه ولایت<sup>۱</sup> (المائدة/ ۵۵)، آیه تطهیر<sup>۲</sup> (الأحزاب/ ۳۳)، آیه اولی الامر<sup>۳</sup> (النساء/ ۵۹) و آیه مودت ذی القربی<sup>۴</sup> است (الشوری/ ۲۳) و احادیث یوم الدار<sup>۵</sup> (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۸: ۱۷۸)، حدیث منزلت<sup>۶</sup> (ر.ک؛ همان، ج ۲۱: ۲۰۸)، حدیث ثقلین<sup>۷</sup> (همان، ج ۲۳: ۱۴۰) و حدیث غدیر<sup>۸</sup> (ر.ک؛ همان، ج ۳۷: ۱۸۱). این آیات و روایات علاوه بر بیان ضرورت تأسیس حکومت، بر نصب خاص حاکمیت دوازده امام و از جمله، حکومت مهدوی دلالت می کند.

از دیدگاه شیعه امامیه، ولایت بر انسان‌ها از شئون امامت امامان معصوم است. نیاز جامعه اسلامی به ولایت معصوم یک نیاز دائمی است و غیبت امام عصر<sup>(عج)</sup> به دلیل ضرورت‌هایی بوده است. در اندیشه سیاسی شیعه، غیبت از ارکان آن است و اراده خداوند بر آن تعلق گرفته است. مهدی<sup>(عج)</sup> زمانی ظهور خواهد کرد و با تأسیس دولت آرمانی اسلام، عدل و قسط را در جهان محقق خواهد کرد.

## ۶. حکومت جهانی حضرت مهدی و اجرای شریعت

در اسلام، رسالت پیامبر جهانی است؛ چنان که قرآن می فرماید: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (الأنبیاء/ ۹۲) که تحقق آن در دوران حکومت ولی عصر است و مسلمانان باید در دوران غیبت هم زمینه‌های آن را فراهم کنند. در اندیشه مهدویت، جهان وطنی از آرزوهای انسان و مطابق با فطرت است و مراد از آن، نوع انسان است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۲۷ق.، ج ۷: ۶۲)؛ «یملأ به الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً: خداوند به وسیله او زمین را پُر از عدل و داد می کند، همان گونه که از ظلم و جور پُر شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۵۱: ۸۲).

در تلقی دکتین مهدویت، به نقش هدایت‌گرانه خداوند از طریق نبوت و امامت در تنظیم حیات سیاسی توجه شده است و ادامه آن، ولایت امام مهدی<sup>(عج)</sup> در عصر غیبت است که حتی هدایت معنوی ایشان به خورشید پشت ابر تشبیه شده است (ر.ک؛ همان، ج

۵۲: ۹۲) و جامعه اسلامی هیچ گاه خالی از حجت نیست. در اندیشه مهدویت، امامت نوعی لطف از طرف خداوند است و هدایت دینی پشتوانه‌ای برای عقول بشری است. وجود امام معصوم<sup>(ع)</sup> که منصوب از طرف خداوند است، همواره چتر امنیتی و دفاعی قوی برای جامعه اسلامی فراهم می‌کند و مردم احساس می‌کنند دست غیبی از آن‌ها در برابر تهاجمات دشمنان اسلام حمایت می‌کند. از طرفی، در حدیث نبوی داریم هر کس که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است (ر.ک؛ نعمانی، ۱۳۹۷ ق.: ۱۲۹).

از دیدگاه شیعه، با تشکیل حکومت جهانی، اسلام به عنوان دین حق و دارای شریعت جامع با پذیرش عمومی جهانیان همراه خواهد شد. از این رو، محدوده جغرافیایی و سرزمین حکومت حضرت مهدی کل جهان، بلکه کل کرات را در بر می‌گیرد و امنیت و صلح جهانی در همه جا تأمین خواهد شد. در روایتی از امام باقر<sup>(ع)</sup> در این زمینه نقل شده است: «گویا من یاران قائم را می‌بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه یافته‌اند و همه چیز در فرمان آنان است» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق.، ج ۵۲: ۳۲۷). در روایتی از رسول خدا<sup>(ص)</sup> نیز در این زمینه آمده است: «خداوند به وسیله قائم، مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را فتح خواهد کرد» (صدوق، ۱۳۹۵ ق.، ج ۱: ۳۹۸). همچنین، آن حضرت<sup>(ص)</sup> در این زمینه می‌فرماید: «اگر از عمر این جهان، یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی می‌کند که فرزندم ظهور کند و زمین را به نور خود روشن سازد، حکومت او شرق و غرب جهان را فراگیرد» (همان: ۲۸۰). امام حسین<sup>(ع)</sup> نیز می‌فرماید: «خداوند دین حق را به وسیله مهدی بر تمام ادیان ظهور می‌بخشد، اگرچه مشرکان آن را نپسندند» (همان: ۳۱۷).

با توجه به مباحث مربوط به رابطه دین و سیاست در دکترین مهدویت، تفاوت آن با باورهای مدرن در حوزه سیاست را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱-۶. هسته مرکزی مهدویت، خدامحوری و توحید است و این امر کلیه مفاهیم اجتماعی، سیاسی و کلیه تاروپود فرد و جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. سیاست در

آموزه‌های مهدویت از طرفی، با مفهوم دیانت گره خورده‌است و از سوی دیگر، تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) ظلم و ستم را در دنیا ریشه کن می‌کند.

۲-۶. نگاه به سیاست در دکترین نگاه سعادت‌محور و فضیلت‌محور است و هدف آن، سعادت انسان در دنیا و آخرت است. هدف سیاست‌ورزی مهدوی، احیای دین حق، برقراری توحید و مبارزه با ظلم و استثمار است، اما در دنیای مدرن، به دلیل سلطه اندیشه بی‌طرفی، دولت در امور دینی و اخلاقی دخالت نکرده، این امور را به حوزه شخصی افراد سوق می‌دهد.

۳-۶. بر اساس دکترین مهدویت، مشروعیت حکومت منحصر در دست خداوند متعال است. از این رو، مشروعیت قدرت سیاسی (حق الزام سیاسی) در انحصار ولایت تشریحی خداوند است. در این صورت، اعمال قدرت سیاسی به سبب ذات توحید ربوبی، حقانی و الزام آور است؛ چراکه در نظام تکوین و تشریح، هیچ منشأ و مبدأیی در عرض خداوند نیست؛ زیرا حاکمیت بالذات و حقیقتاً از آن خداست. پس حاکمیت همه حکومت‌های غیر خداوند جنبه عَرْضی، جعلی و اعتباری دارد. همه حقوق از خداوند متعال نشئت می‌گیرد. بدین سبب، رهبری و زعامت سیاسی جامعه در عصر حضور، نصبی (نصب خاص) است؛ یعنی نصب امام عصر هم از سوی خداوند، پیامبر و ائمه معصوم با اذن خداوند است.

۳-۶. تفاوت دیگر، در برقراری امنیت است که حکومت‌های مدرن در محدوده سرزمینی خود، امنیت شهروندان را ایجاد می‌کنند، اما حکومت مهدوی امنیت را در سطح جهانی ایجاد می‌کند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ﴾ (النور/ ۵۵).

در این آیه شریفه، مهم‌ترین کارکرد حکومت مهدوی را برقراری امنیت فراگیر می‌داند که عبودیت در سایه آن فراهم می‌شود (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴:

۵۳۱). در این صورت، رابطه دین و دولت را در این حکومت با حکومت‌های دیگر متمایز می‌کند.

۴-۶. درباره خاستگاه دولت دیدگاه‌های مختلفی پیرامون آن بیان شده است (ر.ک؛ عالم، ۱۳۸۷: ۱۶۴). نظریه خاستگاه الهی دولت، نظریه زور، نظریه ژنتیک، نظریه طبیعی ارسطو و نظریه قرارداد اجتماعی. دولت مهدوی خاستگاه الهی دارد. بر این اساس، دولت مهدوی آفریده خداست و خداوند آن را مقدر و مستقر می‌کند. فرمان او فرمان خدا و سرپیچی از آن مخالفت با اراده الهی است: «و ما اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت بگذاریم و آن‌ها را وارث زمین قرار دهیم» (النور/ ۵۵). رسول خدا<sup>(ص)</sup> در این زمینه می‌فرماید: «پیشوایان پس از من دوازده نفرند. نخستین آنان تو هستی ای علی، و آخرین آن، قائم است؛ همو که خداوند با دستانش، مشارق و مغارب زمین را فتح خواهد کرد» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۹۸).

خالق و آفریننده دولت حضرت مهدی<sup>(عج)</sup>، خداوند است و او اراده کرده که به وسیله این دولت، جامعه اسلامی را در آخرالزمان مستقر سازد و از مسلمانان در برابر مشرکان و منافقان دفاع نماید و امنیت همه جانبه فراهم کند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۶).

۵-۶. از آیات و روایات به دست می‌آید که برخی اهداف حکومت مهدوی عبارت است از برقراری توحید و نفی کفر و شرک، پیشرفت اخلاقی و معنوی جامعه، برقراری عدالت در همه ابعاد در سطح جهانی، اداره جهان بر اساس ایمان به خدا و احکام دین، مقابله با ظلم و استثمار، برقراری حکومت جهانی اسلام، رشد و توسعه علوم و دانش بشری و در نتیجه آن، رفاه و توسعه اقتصادی، رفع تبعیض و نابرابری و سرانجام، تحقق امنیت در پهنه گیتی و دفاع از بشریت در برابر طاغوت.

اهداف حکومت در مدرنیته غرب بر اساس اومانیزم و انسان‌محوری، سکولاریسم و جدایی دین و دولت، توجه به دنیا و مادیات می‌باشد و دولت در مسائل فرهنگی، سیاست

بی طرفی (Neutrality) را دنبال می کند. اما در اندیشه مهدویت، هدف حکومت، پیشرفت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در کنار معنویت، فضایل اخلاقی و قرب الهی معنا می یابد. حکومت حضرت مهدی (عج) حکومتی سکولار نیست، بلکه مهم ترین هدف آن، احیای توحید و دعوت به اسلام است. پیامبر اسلام (ص) در حدیثی می فرماید: «قائم در آخر الزمان قیام به اسلام می نماید؛ همچنان که من در آغاز اسلام قیام به آن نمودم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق.، ج ۵۱: ۷۸).

بر اساس دکترین مهدویت، از جمله وظایف حکومت در سیره پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) آن بوده است که به تربیت روحی و اخلاقی افراد همت بیشتری داشتند تا به موجب آن، هر مسلمان در نهان و در تنهایی خویش، امنیت خود و جامعه را نادیده نگیرد. در روایات مربوط به مهدویت، به جوانب درونی و اخلاقی افراد توجه خاصی شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) در این زمینه می فرماید: «حضرت قائم در هنگام بیعت مردم با او، با شروطی از آن ها بیعت می گیرد، مبنی بر اینکه مسلمانی را دشنام ندهند، حریمی را هتک نکنند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند و...» (صافی، ۱۴۱۹ق.، ج ۱: ۴۶۹).

۶-۶. مبانی عدالت در تلقی مدرن بر اساس نظریه قرارداد اجتماعی است که با افکار اندیشمندانی مثل هابز، لاک، روسو و رالز شکل گرفته است و در آن عدالت، امری تأسیسی، قراردادی و بر اساس توافق و رضایت شهروندان است. عدالت امری فطری و نفس الامری نیست. اما در دکترین مهدویت، عدالت امری ذاتی و نفس الامری است و به رضایت افراد بستگی ندارد. در نتیجه، عدالت خارج از خواست افراد وجود دارد و عدالت فطری است و منشاء الهی دارد.

۷-۶. کارگزاران و نخبگان حکومت ها در عصر حضور و غیبت، اگر متعهد و کارآمد باشند، جامعه از حیث امنیت و دفاع جامعه دچار مشکلی نمی شود. در روایتی از امام علی (ع)، خصوصیات کارگزاران حکومت حضرت مهدی (عج) آمده است که می تواند برای دوران غیبت هم الگو و اسوه باشد:

«قائم از اصحابش بیعت می‌گیرد که دزدی و زنا نکنند، به کسی دشنام ندهند، خون حرامی را نریزند، آبروی افراد را محترم شمرند، به خانه کسی حمله نکنند، کسی را به ناحق کتک نزنند، طلا و نقره، و گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم نخورند، به چیزی که نمی‌دانند گواهی ندهند، مسجدی را ویران نکنند، مشروبات الکلی نخورند، جامه حریر و ابریشم نپوشند، کمر بند زرین نبنند، راهزنی نکنند، راه‌ها را ناامن نکنند، هم‌جنس‌بازی نکنند، مواد خوراکی مثل گندم و جو را احتکار نکنند، به مقدار کم خوشنود باشند، عطر بزنند، از پلیدی‌ها دوری کنند، مردم را به کارهای خوب فرمان دهند، دیگران را از زشتی‌ها بازدارند... در راه خدا آن گونه که شایسته است، جهاد کنند» (همان: ۴۶۹).

برخی از صفاتی که درباره یاران امام عصر ذکر شده‌است و در روایات دیگر هم آمده، گواه روشنی بر توجه حکومت مهدوی به استخدام نخبگان و کارگزاران شایسته برای ایجاد عدالت کامل بر زمین است.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با تعریف مفاهیم و اصطلاحات مورد نیاز، مانند دین، سیاست، مهدویت و دکترین مهدویت، دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط بر اساس تقسیم‌بندی کتاب باریه مورد توجه قرار گرفت تا هم زمینه‌ای برای طرح موضوع فراهم نماید و هم تلاش‌های تجربه بشری در دنیای مدرن در رابطه دین و دولت نشان دهد. در این صورت، دیدگاه دکترین مهدویت شیعه امامیه درباره رابطه دین و سیاست با اندیشه‌های مدرن و متجدد مقایسه گردید. مباحث تبیین رابطه دین و سیاست در دکترین مهدویت بر اساس قرآن و روایات، در بستر مبانی شیعه در نبوت و امامت بیان گردید. از این رو، هیچ‌گاه زمین از حجت الهی خالی نیست و امامت ادامه نبوت می‌باشد. حضرت مهدی (عج) مهم‌ترین وظیفه امامان - یعنی جانشینی پیامبر در تبلیغ و هدایت معنوی انسان، قضاوت و اداره نظام سیاسی - را در زمانی که تعیین آن برای کسی جز خداوند معلوم نیست، محقق خواهد کرد. امام دوازدهم (عج) بنا بر نصوص دینی و وعده الهی، حکومت جهانی را برای

اقامه عدل، امنیت فراگیر و رفاه کامل برپا خواهد کرد. بنابراین، می‌توان نتایج و دستاوردهای این پژوهش را به صورت ذیل بیان کرد:

- تقسیم‌بندی‌های جوامع مسیحی درباره رابطه دین و سیاست برای مباحث دنیای اسلام، به دلیل سیاسی بودن دین اسلام و سیاسی نبودن دین مسیحیت مناسب نیست و در طبقه‌بندی‌ها باید به این ظرافت‌ها توجه شود. دین در اندیشه مدرن و متجدد به حوزه فردی رانده می‌شود و از عرصه سیاست و اداره سامان زندگی حذف می‌گردد.

- رابطه دین و سیاست در دکترین مهدویت، یک رابطه منطقی و ماهوی است. دین همواره نهاد فراگیری بود که رابطه انسان را با خدا، انسان‌های دیگر، خود و طبیعت مشخص می‌نماید. دین اشراف بر سیاست دارد و جهت آن را مشخص می‌کند.

- با توجه به آموزه‌های دینی در آیات قرآن و روایات معصومان<sup>(ع)</sup> در حکومت مهدوی، پیوستگی دین و سیاست وجود دارد و حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> احکام تعطیل‌شده دین را هم اجرا می‌کند.

- امامت در دکترین مهدویت از ارکان اعتقادی مذهب شیعه و در کنار توحید، نبوت و معاد است. حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> بنا بر نصوص دینی و وعده الهی مهم‌ترین وظیفه امامان، یعنی جانشینی پیامبر<sup>(ص)</sup> در تبلیغ و هدایت معنوی انسان، قضاوت و اداره نظام سیاسی را در زمانی که تعیین آن برای کسی جز خداوند معلوم نیست، محقق خواهد کرد. از این رو، تلازم دین و سیاست روشن و مبرهن گردید.

- از دیدگاه قرآن کریم و روایات، خالق و آفریننده دولت حضرت مهدی<sup>(عج)</sup>، خداوند است و او اراده کرده که به وسیله این دولت، جامعه اسلامی را در آخرالزمان مستقر سازد و از مسلمانان در برابر مشرکان و منافقان دفاع نماید و امنیت همه جانبه فراهم کند.



پی نوشت ها:

۱. ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾.

۲. ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾.

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾.

۴. ﴿قُلْ نَا سَأَلْكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.

۵. پیامبر (ص) فرمود: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا».

۶. پیامبر اکرم خطاب به حضرت علی (ع) فرمودند: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى، إلا أنه لاني بعدي».

۷. پیامبر (ص) فرمودند: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي لن يفترقا حتى يردا على الحوض ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا».

۸. پیامبر (ص) فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ».

۹. ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾.

منابع

ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۸۵ق.). *كمال الدين و تمام النعمة*. قم: دارالکتب الاسلامیه.

- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق.). *من لا يحضره الفقيه*. ج ۴. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ارسطو. (۱۳۶۴). *سیاست*. ترجمه حمید عنایت. تهران: کتاب‌های جیبی.
- اسماعیلی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). *دین و سیاست در اندیشه سیاسی معاصر*. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- باربیه، موریس. (۱۳۸۴). *دین و سیاست در اندیشه مدرن*. تهران: قصیده سرا.
- بهرزولک، غلامرضا. (۱۳۸۴). *سیاست و مهدویت*. قم: انتشارات حکمت رویش.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۳). *شریعت در آینه معرفت*. قم: رجا.
- حلی، حسین بن یوسف. (۱۴۱۷ق.). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. تحقیق حسن حسن زاده آملی. قم: انتشارات اسلامی.
- خمینی، سید روح الله. (بی تا). *ولایت فقیه*. قم: انتشارات آزادی.
- دوورژه، موریس. (۱۳۴۹). *اصول علم سیاست*. ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: کتاب‌های جیبی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه*. چ ۷. تهران: دانشگاه تهران.
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۳). *تکاپوهای دین سیاسی*. تهران: باز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *دین، جامعه و عرفی شدن*. تهران: نشر مرکز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی*. تهران: باز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). *مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی*. تهران: تبیان.
- صافی، لطف الله. (۱۴۱۹ق.). *منتخب الاثر*. قم: مؤسسه سیده المعصومه (س).
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۶۹). *ترجمه المیزان*. ج ۲. تهران: انتشارات محمدی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰). *اعلام الوری*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ق.). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمرتضی.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۱ق.). *کتاب الغیبه*. قم: مؤسسه معارف اسلامی.

طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۳۵). *رسالة الامامت*. به کوشش محمدتقی دانش پژوه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۴). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی.

کاشف‌الغطاء، محمدحسین. (۱۴۱۳ق). *اصل الشیعه و اصولها*. بیروت. مؤسسه الاعلی للمطبوعات.

کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه. علی‌بابایی، غلامرضا و بهمن آقایی. (۱۳۶۵). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: شرکت نشر ویس.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دارالوفاء.

مظفر، محمدحسن. (بی‌تا). *دلایل الصدف*. تهران: مکتبه الذجاج.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). *آیات ولایت در قرآن*. قم: انتشارات نسل جوان.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.

نعمانی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). *الغیبه*. تهران: مکتبه الصدوق.

نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: قومس.

Waldron, Jeremy. (1993). "Legislathon and Moral Neutrality". *Liberal Rights*. New York: Cambridge University Press.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی